

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن
برگردان از: نیکوپوروزان
۱۴ نومبر ۲۰۱۶

ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۹

جبهه آزادیبخش ملی: پایستگی در برابر یورش ایالات متحده

بد یا خوب، تلاش‌های ما در یک جنبش تاریخی جاری برای استقلال در هم تنیده شد که فلسفه و ابزار عمل مختص به خویش را پرورده بود. هو چی مین پدر معنوی این جنبش بود. این، اما، مبارزه خود ما نیز بود.

ترونگ نهو تانگ^۱، از اعضای بنیان‌گذار جبهه آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی^۲

دخالته نظامی ایالات متحده در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۵ از سرنگونی دولت سایگون پیشگیری کرد. این دخالتگری هم مانع از بر سر کار آمدن دولت ائتلافی متعهد به صلح و خروج ایالات متحده شده و هم پیروزی بلافاصله جبهه آزادیبخش ملی را مانع گردید. در طول چهار سال پیش از این تمامی برنامه‌های خرابکارانه و ضدانقلابی که به دستور ایالات متحده و برای اخلاص در عملیات جبهه آزادیبخش ملی و تخریب پایه‌های مردمی‌اش صورت می‌گرفت نه تنها نقش بر آب شده بلکه نتیجه وارونه داشت. در دو سال و نیم پس از دخالتگری نظامی ایالات متحده، جبهه کماکان کنترل بخش عمده‌ای از مناطق روستائی را به رغم توان آتشباری کلان امریکا در دست داشت. چه عامل‌هایی به پایستگی جبهه در برابر یورش امریکا کمک می‌نمود؟

سه عامل به جبهه کمک نمود تا در برابر دخالتگری ایالات متحده تاب مقاومت داشته باشد. این سه عامل عبارتند از: ناسیونالیسم، سرکوبگری و روابط طبقاتی در مناطق روستائی. جبهه آزادیبخش ملی شکل‌بندی نوپای سیاسی در مبارزه طولانی [خلق ویتنام] بر علیه سرکوبگری خارجی بود. از دیده‌ی توده‌های مردم، رژیم دنییم و آن‌هایی که پس از او آمدند رژیم‌های دست‌نشانده‌ای بیش نبودند که صرفاً در خدمت تحکیم سلطه خارجی (امریکائی‌ها) بر کشورشان قرار داشتند. حکومت سایگون نمی‌توانست این "لکه استعماری" را از چهره‌اش بزدايد و دخالت نظامی ایالات متحده صرفاً آن را آشکارتر می‌ساخت.

¹ Truong Nhu Tang

² Quoted in Truong Nhu Tang, A Viet Cong Memoir (New York: Vintage, 1986), p. 68

برای اکثریت توده‌ها در مناطق روستائی، جبهه آزادیبخش ملی نام تازه **ویت مین** بود که از سال ۱۹۴۰ برای استقلال ویتنام و اصلاحات ارضی در مناطق روستائی می‌رزمید. این تداوم در مبارزه را وجود بازمانده‌های **ویت مین** تقویت می‌نمود که پس از معاهده ترک جنگ در سال ۱۹۵۴ در بخش شمالی کشور دوباره سازمان یافته و اکنون به وطن‌شان در جنوب باز می‌گشتند که تا آتش مبارزه علیه رژیم **دنینم** و جانشین‌هایش را بار دیگر برافروزند. تعداد چهار هزار و پانصد رزمنده **ویت مین** تا سال ۱۹۶۰ به جنوب باز گشتند. این رقم در سال ۱۹۶۱ به شش هزار و دویست تن رسید.^۳ به نقل از یکی از ساکنین روستائی در نزدیکی هیو: "بعضی‌ها فکر می‌کردند که این‌ها مرده بودند. از این که باز گشته بودند کاملاً تعجب کرده بودیم و خیلی خوشحال شدیم وقتی که شنیدیم که گفتند که می‌خواهند مبارزه برای آزادی را در منطقه سازماندهی کنند."^۴ این بازمانده‌های **ویت مین** که برگشته بودند به همراه آن‌هایی که از سرکوب سال‌های حاکمیت **دنینم** جان سالم به در برده بودند، کمیته‌های جبهه را در هزارها دهکده در سراسر جنوب برپا ساختند. این افراد از اتوریت‌های برخوردار بودند، "قهرمانان زنده" به گفته روستائی‌ها، که حاکمیت در سایگون به هیچ روی نمی‌توانست آن را به نبرد فرا خواند.

سرکوبی دلیل دوم بود. "اگر **نگو دین دنینم** نشان می‌داد که دارای وسعت نظر و بصیرت است ما پشت سر وی می‌ایستادیم. اما، در شرایط موجود آن روز و به این خاطر که وی هیچ گونه ارزشی برای اصول استقلال و پیشرفت اجتماعی قایل نبود، ناسیونالیست‌های ویتنام جنوبی مجبور بودند که دست به عمل بزنند."^۵ این بیان نظر طبقه میانه و بورژوازی ویتنام بود که پس از بر سر کار آمدن جانشین‌های **دنینم** تنها شکل شدیدتری به خود گرفت. رژیم سایگون به شکل رقت‌انگیزی فاسد، عمیقاً غیردموکراتیک و شدیداً سرکوبگر بود. تعداد زندانیان سیاسی ویتنام جنوبی از میانه دهه شصت سر به هزاران می‌زد. انتخابات مضحکه‌ای بیش نبوده و رژیم سایگون از هر گونه ظرفیتی برای رفرم تهی بود. به این دلیل بود که بسیاری از اصلاح‌گرایان به دلیل بسته بودن تمامی راه‌های دیگر اجباراً به مبارزه مسلحانه روی آوردند.^۶

دلیل سوم برای پایداری جبهه آزادیبخش ملی روابط موجود طبقاتی در مناطق روستائی بود. اکثریت بزرگی از جمعیت کشور در مناطق روستائی زندگی می‌کردند که رفرم ارضی مسأله کلیدی بود. **ویت مین** اجاره بهای زمین و بدهی دهقانان را کاهش داد؛ و زمین‌های جمعی را به فقیرترین روستائی‌ها اجاره داد. در حالی که **دنینم** زمین‌داران را به روستاها باز گردانده و دهقان‌ها را مجبور می‌کرد که زمینی را که سال‌ها کشته بودند به آن‌ها بازگردانده و اجاره‌های به اصطلاح عقب مانده را به آن‌ها پردازند. در این مورد، ارتش ویتنام جنوبی به زمین‌دارها در گرفتن اجاره‌های به اصطلاح عقب مانده کمک می‌کرد. این مسأله باعث برانگیخته شدن خشم روستائی‌ها می‌شد. جامعه روستائی بار دیگر مانند زمان سلطه فرانسوی‌ها صف‌آرایی شد: هفتاد و پنج درصد پشتیبان جبهه بودند، بیست درصد سعی کردند که بی‌طرف به مانند و پنج درصد نیز جانب حکومت را گرفتند.^۷ براساس یکی از گزارش‌های دولت امریکا، "هنگامی که جبهه آزادیبخش ملی کنترل منطقه‌ای را به دست می‌گرفت، ثروتمندهای منطقه از محل گریخته و به شهرها پناه برده و بدین ترتیب منطقه را برای صرفاً فقیرترین افراد رها می‌ساختند. بدین ترتیب، جنگ دقیقاً شکل یک جنگ طبقاتی را

³ Young, p. 71.

⁴ Quoted in Young, p. 71.

⁵ Quoted in Tang, p. 68.

⁶ Young, p. 184.

⁷ Quoted in Young, p. 73.

به خود گرفت.^۸ اشغال کشور توسط امریکا باعث شدت یافتن این جنگ طبقاتی شد زیرا که ثروتمندان سایگون از قیل جنگ فربه‌تر شده در حالی که تهی‌دست‌ها زیر فشار جنگ خرد می‌شدند. رابرت کومر^۹ که در رأس گروه تأمین امنیت قرار داشت خود به این نکته اشاره نمود که ایالات متحده برای کم کردن شدت این جنگ طبقاتی در منطقه‌های روستائی دست به هیچ اقدامی نزد. وی در گزارشی در بروری ۱۹۶۷ گفت که: "هیچ یک از برنامه‌هایی که ما برای ویتنام در نظر گرفته‌ایم به خودی خود سرانجامی موفق را نوید نمی‌دهند."^{۱۰}

ماشین نظامی سهمگینی که ایالات متحده در ویتنام گرد آورده بود از توان تخریب شدیدی برخوردار بود. هفتاد درصد روستاها در استان کوآنگ انگای^{۱۱} – که ارتشی‌های امریکا به دلیل وجود حمایت وسیع از جبهه آزادیبخش ملی آن را "کشور سرخ پوستان" می‌نامیدند – به طور کامل نابود شدند. اما، امریکائی‌ها تازه داشتند یاد می‌گرفتند که نیروی آتشباری به تنهایی نمی‌تواند برنده جنگ باشد.^{۱۲}

ادامه دارد

⁸ Ibid., p.73.

⁹ Robert Komer که از سوی دولت جانسن به عنوان رئیس برنامه‌ی موسوم به Civil Operations and Revolutionary Development Support (CORDS) در سال ۱۹۶۷ به ویتنام فرستاده شد. وی به دلیل شیوه‌ی مدیریت خشن به "مشعل جوش کاری" لقب یافته بود. یکی از بدنام‌ترین برنامه‌های CORDS برنامه‌ی موسوم به فینکس (Phoenix Program) بود که به گفته‌ی خود امریکائی‌ها نتیجه‌اش بیش از بیست هزار کشته بود. وی در سال ۱۹۶۸ از ویتنام به عنوان سفیر امریکا به ترکیه رفت. در ششم ژانویه‌ی ۱۹۶۹ گروهی از دانشجویان دانشگاه فنی خاورمیانه ماشین وی را به آتش کشیدند. این گروه بعداً هسته‌ی مرکزی جنبش مارکسیستی فدراسیون جوانان انقلابی ترکیه *Türkiye Devrimci Gençlik Federasyonu* را تشکیل دادند. (م.)

¹⁰ Quoted in Kolko, p. 178.

¹¹ Quang Ngai

¹² Jonathan Schell, *The Real War* (New York: Da Capo Press, 1988); Chapter 3, "The Military Half: An Account of Destruction of Quang Ngai and Quang Tin."